

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol. ۱,
No. ۲,
Autumn & Winter ۲۰۱۵
P ۱۲۸- ۱۵۰.*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۱ ش ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۴
صفحات ۱۵۰ تا ۱۲۸

مدیریت تحول و مؤلفه‌های آن در قرآن

محمدزاده امیری*

چکیده

امروزه دگرگونی‌های پرشتاب در پدیده‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای است که سازمان‌ها را با محیط ناآرام و پرتلاطم روبه‌رو کرده است و تاکنون کتاب‌ها و مقالات علمی فراوانی در این حوزه نگاشته شده؛ اما با رویکرد اسلامی کار چندان بایسته-ای صورت نگرفته است. این درحالی است که کلام وحی دارای ظرفیت عظیم است و در همه‌ی حوزه‌ها مطالب ظریف و دقیق و اعجازی دارد، مدیریت تحول و مؤلفه‌های آن یکی از آنهاست. این‌که مدیران چگونه در محیط پویا بر اساس نظام ارزشی الهی تحولات محیطی و سازمانی را مدیریت کنند نیازمند شناسایی مدیریت تحول و مؤلفه‌های آن از منظر اسلام است. این مقاله، می‌کوشد با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از متن و محتوای زلال آیات وحی به تبیین مدیریت تحول، کشف و استخراج مؤلفه‌های آن بپردازد. با توجه به این‌که پژوهش از دریچه‌ی قرآن صورت گرفته یافته‌های آن نشان می‌دهد که مدیریت تحول به جنبه‌ی انسانی سازمان نظر دارد و از منظر قرآن دارای یک فرایند سه مرحله‌ای «تخلیه، تحلیل و تجلیه» بوده و مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده‌ی آن، توحید گرایی، طرد طاغوت و اراده و عزم انسان است.

کلید واژگان: مدیریت، تحول، مؤلفه، قرآن، اسلام.

*. کارشناسی ارشد، مدیریت سیاستگذاری، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، مؤسسه آموزش عالی

علوم انسانی، m.Amiri۴۸۱۱@gmail.com

مقدمه

تحول قانون ثابت و تغییر ناپذیر جهان هستی است. در گستره‌ی گیتی همه چیز در حال تحول و دگرگونی است؛ آن‌چه تحول پذیر نیست خود تحول است. در عصر کنونی تلاطم محیطی و دگرگونی‌های پرشتاب در پدیده‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی بسیار مشهود و محسوس است و به همین دلیل مدیریت تحول بخش برجسته و پردامنه‌ای از گفتمان مدیریت است. در آموزه‌های دینی به مسأله‌ی تحول توجه اساسی شده است. از منظر قرآن کریم^۱ خداوند حال و سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که خود شان تحول را بخواهند و وضعیت خود را تغییر دهند. امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که دو روزش از نظر معرفت، رشد انسانی و کمال زندگی یکسان باشد، ضرر کرده و باخته است، هرکس که امروزش بهتر از دیروزش باشد، مورد غبطه‌ی دیگران قرار می‌گیرد؛ هرکس امروزش بدتر از دیروزش باشد، ملعون و محروم از رحمت خداوند است^۲ مهم‌ترین درس از کلام وحی و فرمایش گهربار صادق آل محمد (ص) این است که نباید ثابت ماند و حتی یک روز مان هم نباید بدون تغییر سپری شود. در فرهنگ فاخر پارسی نیز به مسأله‌ی تحول توجه اساسی شده است چنانکه سهراب سپهری می‌گوید: چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید، چترها را باید بست، زیر باران باید رفت. صائب تبریزی می‌گوید: مازنده از آنیم که آرام نگیریم موجب که آسودگی ما عدم ماست. اگرچه تغییر و تحول در وضعیت، سرنوشت و معرفت و معیشت منوط به میل و خواسته‌ی خود انسان است؛ اما رهبران و مدیران و اندیشمندان نقش بسیار پررنگ به خصوص در تحولات، علمی، فرهنگی، اجتماعی و سازمانی دارند و لذا باید به صورت بنیادی در فکر، اندیشه و گفتمان مدیریتی تحولاتی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی ایجاد کرد. باید در مفاهیم عمیق و دقیق آیات زلال تعمق نمود، واقعیت‌ها و تحولات مطلوب را، در بطن، متن و

^۱. رعد/۱۱

^۲. شیخ صدوق محمد بن علی، امالی، ص ۶۶۸.

محتوای قرآن به جست‌وجو گرفت و یافت و در حوزه‌ی نظر ابراز کرد و در عرصه‌ی عمل بکارگرفت.

طرح مسأله

مدیریت تحول در حوزه‌ی نظر و صحنه‌ی عمل بخشی از گفتمان قوی مدیریت در جهان امروز بوده و امواج آن در همه‌ی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی نمایان است. در حوزه‌ی نظر «مدیریت تحول» از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ رشد سریعی در کتاب‌ها و مقالات در باره‌ی تحول سازمانی، شیوه‌های برنامه‌ریزی و... داشته و به یک گفتمان کلیدی مدیریت تبدیل شده است.^۱ در عرصه‌ی عمل بسیاری از سازمان‌ها تنوعی از طرح‌ها و برنامه‌های تحول مبتنی بر نظام ارزشی خود و مقتضیات را در نظر داشته و دارند. از بدو توجه به مدیریت تحول تاکنون در باره‌ی تحول سازمانی، کیفیت زندگی کاری، دگرگونی فرهنگی، تحولات علمی، اجتماعی، فرهنگ سازمانی، بازمهندسی، مدیریت کیفیت جامع و... کتاب‌ها و مقالات زیادی به نگارش در آمده است. اما متأسفانه در این زمینه از منظر اسلام و قرآن کارچندان بایسته و ارزنده‌ای صورت نگرفته و خلاء علمی و عملی وجود دارد. باتوجه به این که قرآن کریم معجزه‌ی جاید پیامبرخاتم (ص) و سند حقانیت اسلام و محکم‌ترین منبع مدیریت اسلامی است در این پژوهش نگارنده در صدد است با توجه به خلاء موجود، مدیریت تحول و مؤلفه‌های آن را از منظر قرآن به بررسی بگیرد. بنابراین، دغدغه و مسأله‌ی اصلی تبیین مدیریت تحول و کشف و استنباط مجموعه مؤلف‌های سازنده و عناصر دخیل در آن از قرآن است. با توجه به این که تغییر و تحول مستلزم حرکت از وضعیتی به وضعیت دیگر است. باشناسای مؤلفه‌های تحول فرد یا سازمان یاد می‌گیرد چگونه شرایط لازم را فراهم کند تا از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب برسد. صاحب قلم سعی بر آن دارد که با واکاوی گسترده و نظام‌مند، مطالب مطلوب را یافته، و به صورت جامع، منطقی و ساختارمند ارائه نماید.

^۱. محمد تقی نوروزی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۳۹۱، شماره ۴، ص ۳۶.

اهمیت و ضرورت موضوع

تحول، بالندگی، تغییر وضعیت و بهبود کیفیت زندگی فردی و سازمانی را به همراه دارد. دو ویژگی «کنترل» و «ریسک» مدیریت تحول را از مدیریت رایج متمایز می‌سازد. کنترل فرایندی است که «بایدها» را با «هست‌ها»، «مطلوب‌ها» را با «موجودها» و «پیش-بینی‌ها» را با «عملکردها» مقایسه می‌کند و تصویر واضحی از اختلاف‌ها و تشابه‌ها در اختیار مسئولان مربوطه قرار می‌دهد^۱ بنابراین کنترل همان قدرت ایجاد تغییر دلخواه است. و ریسک عبارت است از عدم اطمینان و آگاهی در مورد نتیجه یک عمل و احتمال اینکه امور به بیراه روند^۲ بی‌تردید انسان موجود تکامل‌گرا و سیر ناپذیر است، نیازهای آن دائماً در حال تغییراند و لذا هم در حوزه‌ی زندگی فردی و هم در عرصه‌ی اجتماعی و سازمانی تحول دارای اهمیت حیاتی است. حقیقت این است که سازمان‌های موفق در جهان سازمان‌های هستند که تحول را درچارچوب تشکیلاتی خود بگنجانند. با توجه به این‌که کنترل کامل بر وقایع ممکن نیست برای داشتن میزانی از کنترل بر فرایند تحول و نیز کاهش میزان مخاطرات، مدیریت تحول ضروری است. بنا براین، موضوع مورد نظر هم بر پایه‌ی برآورد سازی نیازهای فردی و هم از بعد اجتماعی و سازمانی دارای اهمیت حیاتی و ضرورت اجتناب ناپذیر است.

روش تحقیق

این پژوهش از روش تجزیه و تحلیل محتوای آیات قرآن کریم و متون دینی برای فهم معنا و مفهوم مطلوب و تبیین موضوع و تثبیت یافته‌ها در راستای تحقق اهداف مورد نظر، پیروی می‌کند. به این روش در اصطلاح «تحلیلی - توصیفی» می‌گویند.

هدف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، تبیین درست مدیریت تحول و شناسایی مؤلفه‌های سازنده‌ی آن از منظر قرآن است. و اینکه مدیران و رهبران چگونه باید تغییرات گوناگون

۱. علی آقا پیروز، و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۲۶۷.

۲. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، دریافت ۲۴ / ۶ / ۱۳۹۵.

و فراوانی که هر لحظه سازمان‌های آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر اساس دیدگاه اسلام، مدیریت کنند.

مفهوم شناسی

شناسایی متغیرها و مفاهیم کلیدی در هر پژوهش، جهت رفع ابهام و پایایی تحقیق لازم است و تأثیر بسزایی دارد.^۱ زیرا در بسیاری از موارد بدون فهم درست واژگان تحقیق ارائه‌ی نظر غیرممکن است و لذا درک صحیح مفاهیم کلیدی بسیارهم است به ویژه در مقوله‌های اجتماعی و مدیریتی و دینی که به سبب کار برد وسیع واژگان و عدم دقت علمی در استعمال آنها، همواره با نوعی اختلاط مفاهیم و امتزاج معانی مواجهیم^۲ بنابراین، لازم است قبل از ورود به متن پژوهش بانگرس دقیق به مفهوم شناسی واژه‌های کلیدی بپردازیم.

مدیریت

واژه‌ی «مدیریت» معادل «Management»؛ در لغت به معنای تدبیر کردن، عاقبت اندیشی، چاره جوی و اداره نمودن امور با دانایی و توانایی و کنترل فعالیت‌های در حال انجام جهت رسیدن به هدف‌های مورد نظر است.^۳ مدیریت در اصطلاح تعریف واحدی ندارد. دوتا از مهم‌ترین تعریف‌های آن را در این پژوهش می‌آوریم.

۱. مدیریت فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت، و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین د شده، صورت می‌گیرد^۴

۱. مصطفی عباسی مقدم، اسوه‌های قرآنی، ص ۳۱.

۲. همان.

۳. علی اکبر دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۴۴، ص ۴۳؛ فرهنگ معین، ج ۳، واژه مدیریت.

۴. علی رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۸.

۲. مدیریت عبارت است از کار کردن با و از طریق دیگران برای رسیدن به هدف-های سازمان و هدف‌های کارکنان^۱

تحول

تحول در لغت به معنای برگشتن از حالی به حال دیگر؛ منقلب شدن؛ دگرگون شدن و جابه جاشدن است^۲ پیداست که منظور از تحول، در مدیریت معنای لغوی آن نیست، بلکه منظور از تحول، فعالیت و یا تلاشی برنامه ریزی شده و بلند مدت است که سازمان و یافرد را به سمت جایگاه بالاتر حرکت می دهد^۳ و این همان تحول مطلوب است یعنی دگرگونی رو به کمال و برطرف کردن نقص‌ها و پر کردن خلأها و عرضه‌ی تازه‌های مفید و به کارگیری روش‌های مؤثر.

مدیریت تحول

مدیریت تحول به معنای پشتیبانی از کارکنان در گذارشان از وضعیت فعلی آنها به وضعیت آتی است که توسط برنامه های تحول صورت می گیرد.^۴ در واقع مدیریت تحول تشخیص و مستند سازی وضعیت موجود، برنامه‌ریزی و حرکت به فراسوی آن برای رسیدن به وضعیت مطلوب است.

مؤلفه

واژه‌ی «مؤلفه» معادل «Component» در لغت به معنای کوچک‌ترین واحد معنایی سازنده‌ی واژه است^۵ منظور از مؤلفه‌های مدیریت تحول اجزاء و عناصر نقش آفرین و سازنده‌ی آن است.

۱. پاتریک مانتانان، فرهنگ فراگیر دانش مدیریت، ترجمه سهراب خلیلی، ص ۲.

۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، واژه تحول.

۳. علی آقا پیروز، جزوه درسی مدیریت تحول سازمانی، ترم دوم ۹۵-۱۳۹۴.

۴. همان.

۵. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، تاریخ در یافت ۱۳۹۵ / ۶ / ۲۴.

قرآن

واژه‌ی «قرآن» مصدر است مانند: رجحان، کفران، فرقان، نقصان و غفران^۱ لغت شناسان در مورد لفظ «قرآن» اتفاق نظر ندارند. به صورت کلی می‌توان بیان اهل لغت و نیز اندیشمندان علوم قرآن را به دو گروه زیر دسته بندی کرد:

الف) لفظ قرآن جامد است، قرآن، اسم خاص معجزه‌ی جاوید پیامبر خاتم (ص) و آخرین کتاب الهی است^۲

ب) برخی دیگر، لفظ قرآن را مشتق از ماده‌ی «قرأ» به معنای گردآوری، «قرن» به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیزی و «قراءة» به معنای خواندن و تلاوت کردن دانسته‌اند آعلامه عسکری می‌فرماید: «قرآن عبارت است از کلام الهی که خداوند آن را بر پیامبر خاتم (ص) به زبان عربی و لهجه‌ی قریش، نازل کرده است... آیه‌ای از آن، قرآن گفته می‌شود، حتی بخشی از یک آیه نیز قرآن است.»^۴

در یک جمع بندی جامع می‌توان گفت: قرآن کریم وحی اعجاز‌آمیز الهی است که به زبان عربی، به عین الفاظ توسط فرشته‌ی وحی جبرئیل امین از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب نازین و زبان حضرت رحمت‌ للعالمین (ص) هم اجمالاً (یکباره و دفعی) و هم تفصیلاً (در مدت بیست و سه سال) نازل شده است.

مدیریت تحول در قرآن

مدیریت تحول فرایند برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند است که با بهره‌گیری از ارزش‌ها و اصول علمی و کاربردی، در پی افزایش اثربخشی فردی و سازمانی است. هدف اصلی این نوع مدیریت، انسان و فرآیندهای اجتماعی است. قرآن کریم که معجزه‌ی جاوید

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۰۸.

۲. شیخ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۳۷.

۳. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب و مفردات الفاظ القرآن، ماده قرأ؛ قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۶؛ علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۲۲.

۴. مرتضی علامه عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۶۱.

پیامبر اعظم (ع) و سند محکم حقانیت اسلام و منبع غنی و متقن مدیریت اسلامی است در گزارشات خود به مدیریت تحول و مؤلفه‌های آن توجه اساسی دارد. از منظر قرآن پیامبران که رهبران راستین و مدیران ارشد جامعه‌ی بشری هستند تا سر حد توان، دنبال ایجاد تحول و مدیریت آن بوده‌اند. از باب مثال به این آیه شریفه دقت کنید: «وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَضَكُمْ عَنْهُ إِنِ ارِيدُ إِلَّا الصَّالِحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»^۱؛ من نمی‌خواهم آنچه که شما را از آن باز می‌دارم خود مرتکب شوم تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح نمی‌خواهم و توفیقم فقط به یاری خداوند است بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این آیه خداوند از زبان یکی از پیامبران و مدیران ارشد جامعه‌ی انسانی می‌فرماید: «من یک هدف بیشتر ندارم، و آن اصلاح شما و جامعه‌ی شماست، تا آنجا که در توان دارم هدم ایجاد تحول در شما و در جامعه‌ی شماست.» این همان هدفی است که تمام پیامبران آن را پی‌گیری می‌کردند: اصلاح عقیده، اصلاح اخلاق، اصلاح عمل، و اصلاح روابط و نظامات اجتماعی^۲. بنابراین، منظور از تحول از منظر قرآن، فرایند تغییر یافتن اندیشه‌ها، باورها و رفتارهای نامطلوب و تثبیت مطلوب‌ها و استقرار نظام دینی اثربخش و کارآمد است. تحول به این معنا از طریق اجبار و ارعاب، ابلاغ آئین‌نامه، بخش‌نامه و دستور العمل اتفاق نمی‌افتد و حاصل نمی‌شود. زیرا هدف اساسی تحول انسان است و نیز اراده‌ی انسان مؤلفه‌ی بسیار اثرگذار در تحول است ولذا تحول بنیادی و با دوام در انسان بستگی به اراده، باور و اعتقاد او دارد. تحول سازنده و با دوام از طریق آموزش، تبلیغ و تبیین مستمر فرهنگ مطلوب در باورها، رفتارها و هنجارها به صورت تدریجی به وجود می‌آید. از منظر قرآن پیامبران که ابر مدیران جامعه‌ی انسانی هستند تاسرحد توان در صدد ایجاد چنین تحولی بوده‌اند.

^۱. هود/ ۸۸.

^۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۸؛ ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

بی تردید تحولات فکری بنیاد و پایه‌ی هر تغییر و تحول است، در حوزه‌ی تحولات فکری در قرآن کریم می‌خوانیم: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَةٍ مِنْكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ ذُو الْعَرْشِ»؛ ای پیامبر! بگو: «من شما را فقط به یک چیز اندرز می‌دهم و آن این‌که: دو نفر دونفر یا یک نفر یک نفر برای خدا به پا خیزید، سپس بیندیشید که رفیق و همنشین شما (پیامبر اسلام) هیچ گونه دیوانگی ندارد، پیامبر فقط بیم‌دهنده شما از عاقبت ناگوار، تنبیه و عذاب شدید الهی است. در این آیه، در جمله‌های بسیار کوتاه و پرمحتوا به خمیر مایه‌ی همه‌ی تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و مدیریتی اشاره شده است. جمله‌ی «اعظکم» در حقیقت بیانگر این واقعیت است که خیر و صلاح شما در این تحول است، نه در چیزی دیگر. جمله‌ی «واحد» بیانگر این حقیقت است که ریشه‌ی تمام تحولات سازنده‌ی فردی و جمعی به کار انداختن اندیشه‌هاست، ما دام که فکر ملتی در خواب است مورد هجوم دزدان و سارقان دین و ایمان و آزادی و استقلال قرار می‌گیرند، اما هنگامی که افکار بیدار شد راه بر آنها بسته می‌شود. تعبیر به «قیام» در اینجا به معنای ایستادن روی دو پا نیست بلکه به معنای آمادگی برای انجام برنامه‌های مختلف زندگی است. تعبیر «لله» بیانگر این معنا است که قیام و آمادگی برای تحول باید انگیزه الهی داشته باشد، و تحولی که از چنین انگیزه‌ای سرچشمه می‌گیرد ارزنده است^۲ پیامبران که مدیران منصوب از سوی خداوند سبحان برای هدایت و به سعادت رسانیدن انسان هستند همیشه مردم را به تفکر و تأمل فرا خوانده‌اند چون فکر انسان را به حرکت در مسیر تحول و رسیدن به حقیقت هدایت می‌کند. «الفکر حركة الى المبادی و من مبادی الی

۱. سباء/ ۴۶

۲. رک: سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۸۸؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۳۶؛ طیب سید عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۷۷.

المرادی» و از این طریق در صدد ایجاد تحول در مدیریت بوده‌اند زیرا تحول در مدیریت پیش شرط مدیریت تحول است. آن پیشوایان راستین باتمام توان سعی شان بر پشتیبانی از کرامت انسانی و هدایت گری بشریت در گذارشان از وضعیت ناگوار موجود به وضعیت سعادت بخش و مطلوب بود، با تشخیص دقیق وضعیت موجود و بابرنامه‌های تحول در پی اصلاح باورها، رفتارها، عملکردها و روابط اجتماعی بوده‌اند.

فرایند تحول

باتوجه به آیات کلام وحی و مطالب ارائه شده می‌توان گفت: تحول مطلوب از منظر قرآن دارای یک فرایند سه مرحله‌ای به صورت ذیل است:

۱. **تخلیه:** تهی کردن ذهن و فکر از اندیشه‌ها و باورهای کاذب و نامطلوب؛
۲. **تحلیه:** آماده ساختن ذهن برای ورود باورها و ارزش‌های دینی و زینت دادن آن به عقلانیت و اندیشه‌ی صائب؛
۳. **تجلیه:** تهذیب نفس و ظهور اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای فطرت پسند و عملیاتی ساخت برنامه‌های تحول و ارائه‌ی خدمات با اولویت بندی مصالح نظام ارزشی.

انواع تحول از منظر قرآن کریم

- آیاتی از کلام وحی به صورت واضح دلالت بر تحول، دگرگونی و مؤلفه‌های آن دارند. آیات ناظر به تحول و مؤلفه‌های آن را به سه دسته کلی می‌توان دسته بندی کرد.
۱. **انسانی:** نوع اول، آیاتی است که ایجاد هرگونه تحول و دگرگونی را انسان و اراده آن می‌دانند^۱

۲. **غير انسانی:** نوع دوم، آیاتی که بیانگر تحول و دگرگونی محیط جغرافیایی و تغییرات کیهانی و عالم هستی است^۱ این عناصر بر تحول و دگرگونی انسان می-انجامد، گرچه این مؤلفه‌ها در دگرگونی‌های جامعه‌ی انسانی تأثیر بسزایی دارند ولی نمی‌توانند هویت انسان را به صورت بنیادین عوض کنند.

۳. **ترکیبی:** نوع سوم، آیاتی که دو عنصر انسانی و طبیعی را عامل تحول بیان می-دارند. مقصود از عنصر طبیعی، حقایق ناآگاه و غیر اختیاری است، هر چند جنبه‌ی انسانی داشته باشد، مانند سازندگی‌های اجباری که انسان در موارد طبیعی زندگی خود صورت می‌دهد. اگر دقت و تأمل در باره‌ی مؤلفه‌ی سوم نمایم به این می‌رسیم که خود انسان است که باهدف گیری ناشی از درک و خواسته‌های خود، آن سازندگی را انجام می‌دهد. مثلاً آیاتی که دعوت به سیر در ارض می‌کنند در واقع حرکت و تحول را در شئون بشری گوشزد می‌نمایند و ملاک بقا را مفیدیت می‌دانند، این قید مفیدیت برای آن است که بشر هرگز به قضیه‌ی رسوب شده در متن تاریخ تکیه نکند و تنها بر این اساس که پدیده در گذر گاه تاریخ استمرار داشته باشد، آن را دلیل واقعیت آن محسوب ننمایند بلکه باید دنبال تحول باشد. در منطق قرآن تکیه بر سنت‌های گذشته‌ای که براساس و شاکله‌ی مفیدیت استوار نیست، به شدت محکوم شده است^۲

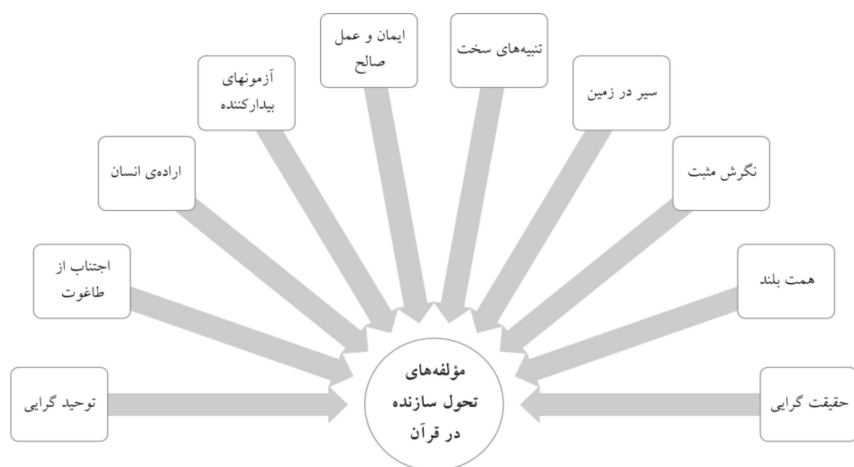
مؤلفه‌های تحول سازنده در قرآن

از آنجا که اسلام نگاه جامع و عمیق نسبت به تحول و مؤلفه‌های آن دارد، ارائه‌ی تصویری کامل از آن کار ساده‌ای نیست مجال ومقال بسیار بیش از این مقاله را می‌طلبد ولذا نگارنده هیچ گاه ادعای این را ندارد که نگاه قرآن به تحول و مؤلفه‌های آن را به

^۱. شوری/۴۹؛ عراف، ۹۴/.

^۲. محمد تقی علامه جعفری، حرکت و تحول از نگاه قرآن، ص ۷۳.

طور بایسته تبیین، کشف و استخراج کرده است؛ اما در کل به نظر می‌رسد مجموعه مؤلفه‌های تحول از منظر قرآن را می‌توان در ده عنوان جاسازی کرد. این مؤلفه‌ها در نمودار زیر به تصویر کشیده شده‌اند.



تبیین مؤلفه‌های تحول

۱ و ۲. توحید گرایی و اجتناب از طاغوت

توحید گرایی و طرد طاغوت از مؤلفه‌های اساسی تحول سازنده‌اند. از باب مثال به این آیه شریفه دقت کنید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱؛ ما در هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از طاغوت، سرکش متعدی اجتناب کنید. دعوت به «توحید» و «مبارزه با جَبْت و طاغوت» اساس دعوت تمام پیامبران و نخستین چیزی بوده که همه‌ی انبیاء و مدیران الهی بدون استثنا به آن دعوت می‌کرده‌اند؛

۱۳۸

^۱. نحل ۳۶

چراکه اگر پایه‌های توحید محکم نشود و طاغوت‌ها از جوامع انسانی و محیط افکار طرد نگردند، هیچ برنامه‌ی اصلاحی قابل پیاده کردن نیست^۱

۳. اراده‌ی انسان

انسان عامل فعال و مؤلفه‌ی کلیدی ایجاد کننده‌ی تحول است. در این باره‌ی به آیه شریفه ۱۱ سوره رعد دقت کنید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ این آیه به روشنی بیان می‌کند که سنت خدای تعالی بر این جریان یافته که وضع هیچ قومی را دگرگون نسازد مگر آنکه خودشان حالات روحی و فکری و اجتماعی خود را دگرگون سازند. بنابراین، مقدرات انسان پیش از هر چیز و هر کس، در دست خود اوست، و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوش‌بختی و بدبختی اقوام در درجه‌ی اول به خود آنها بازگشت می‌کند. شانس و طالع و اقبال و تصادف و تأثیر اوضاع افلاکی و مانند این‌ها هیچ‌کدام اساس ندارد^۲ و نیز در آیه ۵۳ سوره انفال می‌خوانیم: «...أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خداوند طبق سنت جاریه‌ی خود نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد تا آنکه خود آنها حالات خود را تغییر دهند. مطلب مهمی که از این آیه به روشنی استفاده می‌شود این است که انسان سرنوشت خاصی ندارد که از پیش تعیین شده باشد، و تحت تأثیر «جبر تاریخ» و «جبر زمان» و «محیط» نیست، بلکه عامل سازنده‌ی تاریخ و زندگی انسان دگرگونی‌هایی است که در روش و اخلاق و فکر و روح او، به اراده‌ی خودش پیدا می‌شود. انسان آزاد است و سرنوشت خود را به دست خویش می‌سازد. تا در وضع او دگرگونی پیدا نشود و با خودسازی، خویشتن را

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۷؛ ابن عاشور، محمد بن طاهر،

التحریر والتنوير، ج ۱۳، ص ۱۲۰.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۱۱.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۶۰؛ ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنوير، ج ۹، ص ۱۳۶.

عوض نکند، تغییری در سرنوشتش پیدا نخواهد شد.^۱ این آیه برترین قانون حیات انسان‌ها را بیان می‌کند، و روشن می‌سازد که مکتب قرآن در زمینه‌ی حیات جامعه‌ها اصیل‌ترین و روشن‌ترین مکتب‌هاست، حتی به آنها که در عصر اتم، و فضا انسان را فراموش کرده و گرداننده چرخهای تاریخ را ابزارهای تولید و مسائل اقتصادی که خود مولود انسان است می‌پندارند اعلام می‌کند که شما سخت در اشتباهید، شما معلول را گرفته و علت اصلی دگرگونی‌ها را که خود انسان است فراموش کرده و به شاخه چسبیده‌اید.^۲

۴. آزمونهای بیدارکننده

یکی از مؤلفه‌های سازنده‌ی تحول آزمونهای بیدارکننده است. از باب مثال به این آیه شریفه دقت کنید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّغُونَ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ...»^۳ ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم، مگر اینکه اهل آن را با ناراحتی‌ها و خسارت‌ها گرفتار ساختیم، تا اینکه شاید به‌خود آیند و به سوی خدا بازگردند. این به سبب آن است که مردم تا در ناز و نعمتند، کمتر گوش شنوا و آمادگی برای پذیرش حق دارند؛ ولی هنگامی که در تنگنای مشکلات قرار می‌گیرند و نور فطرت و توحید آشکار می‌گردد بی‌اختیار به یاد خدا می‌افتند و دلهای‌شان آماده‌ی تحول و پذیرش واقعیت می‌گردد. گرچه این بیداری، که در همه یکسان است ولی در بسیاری از افراد زودگذر و ناپایدار است و به مجرد برطرف شدن مشکلات، بار دیگر در خواب غفلت فرو می‌روند؛ اما برای جمعی نقطه عطفی در زندگی محسوب می‌شود و برای همیشه، تحول یافته و به سوی حق باز می‌گردند.^۴

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۰۲.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۱۰.

۳. اعراف/ ۹۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۳؛ ابن عاشور، التحریر والتنویر، ج ۸، ص ۲۰۷.

۵. ایمان و عمل صالح

یکی دیگر از مؤلفه‌های تحول ایمان به حقیقت و عمل شایسته است. از باب مثال به این آیه شریفه دقت کنید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ»^۱ در این آیه کلمه‌ی «آمنوا» دو بار تکرار شده شاید وجه‌اش این باشد که در جمله‌ی اول اشاره به ایمان به خدا است، و جنبه اعتقادی دارد و در جمله‌ی بعدی اشاره به ایمان به محتوای اسلام و تعلیمات شریعت محمدی (ص) است که جنبه عملی دارد.^۲ و در آیه دیگر می‌خوانیم: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۳؛ و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم. از این آیه استفاده می‌شود که در زیر چتر ایمان و تقوا برکات پایدار و تحولات بنیادی در حوزه فردی و اجتماعی و عمران آبادانی حاصل می‌شود. در آیات قبل از آیه مورد نظر سرگذشت اقوامی همچون قوم هود و صالح و شعیب و نوح و لوط بیان می‌گردد و در آیه مورد نظر به صورت گویاتر، نتیجه‌گیری کرده، می‌فرماید: اگر مردمی که در این آبادیها و نقاط دیگر روی زمین زندگی داشته و دارند، به جای پیروی از جبت و طاغوت و تعدی و سرکشی، تکذیب آیات الهی و ظلم و فساد، ایمان می‌آوردند، و در پرتو آن تقوا و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، نه تنها مورد خشم پروردگار و مجازات واقع نمی‌شدند، بلکه درهای موهبت‌های ثابت و برکات پایدار آسمان و زمین را به روی آنها می‌گشودیم.^۴

۱. محمد/۲

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۲۲۴؛ مکارم شرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۹۴.

۳. اعراف/۹۶.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۶؛ ابن عاشور، التحرير و التنوير، ج ۸، ص ۲۱۰، قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۴، ص ۱۲۶.

۶. تنبیه‌های سخت

تنبیه‌های بیدار کرد و مجازات سخت یکی دیگر از مؤلفه‌های تحول سازنده است. از باب مثال در مورد پیروان فرعون در آیه ۱۳۰ سوره اعراف می‌خوانیم: «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقَصَ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»؛ ما آل فرعون را به قحطی و خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار ساختیم، تا شاید متذکر گردند و بیدار شوند. «سینین» جمع «سنه» به معنی سال است، ولی معمولاً هنگامی که با کلمه‌ی «أخذ» (گرفتن) به کار می‌رود، به معنی گرفتار قحطی و خشکسالی شدن می‌آید، بنابراین أَخَذَهُ السَّنَةُ: «سال او را گرفت» یعنی گرفتار خشکسالی شد، به طور معمول سال‌های قحطی در برابر سال‌های عادی و معمولی کم است.^۱ ولذا قحطی و خشکسالی از تنبیه‌های الهی و عامل به خود آی و تحول است.

۷. سیر در زمین

یکی از مؤلفه‌های اساسی تحول سازنده گردش در گیتی و تفکر در حالات و آثار باقی مانده از گذشتگان و نیز وضعیت حال اقوام و ملت‌ها در اطراف و اکناف جهان است. از باب مثال به این آیات شریفه دقت کنید: «سَيَرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»^۲؛ «اَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا»^۳ در آیه اول، امر به سیر در زمین و تأمل در کیفیت زندگی و فرجام نهایی سرکشان شده است، در آیه دوم، در قالب استفهام انکاری خداوند مردم را به سیر در زمین فرا می‌خواند. خداوند در این دستور به سیر و فراخوانی به آن، اهداف مقدسی را دنبال می‌کند که در آیات مختلف به آن اشاره شده است. اهدافی مانند بیداری قلوب، درک عاقبت پیشینیانی که از نظر قدرت و قوت و خدم و حشم بر انسان‌های کنونی برتری داشتند، درک عاقبت گنهکاران و دروغگویان،

۱. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۸، ص ۲۲۷؛ ابن عاشور، التحریر والتنوير، ج ۸، ص

۲۴۸.

۲. نمل/۶۹.

۳. حج/۴۶.

درک چگونگی خلقت و عظمت آن و دیدن شگفتی‌های خلقت و... که هر کدام از آن به تنهایی برای پنددهی و عبرت آموزی و تحول آفرینی به انسان کافی است^۱

۱. نگرش مثبت

نگرش مثبت عامل بسیار مهمی در تحول سازنده است. انسان‌ها همواره با نوع اندیشه و نگرشی که به جهان دارند از یکدیگر متمایز می‌شوند. انسانی که مثبت می‌اندیشد، هیچ اتفاقی را در عالم شر و بد نمی‌داند، بلکه لحظه به لحظه‌ی تحولات را بانگرش توحیدی حساب شده و تحت کنترل خالق بزرگ عالم می‌داند. داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن نمایانگر نمونه‌ی بسیار زیبای نگرش مثبت در بندگان مؤمن است^۲ اوج نگرش توحیدی است که حضرت یوسف (ع) فقط به موهبت‌های الهی اشاره می‌کند، از قعر چاه و سختی زندان و... سختی به میان نمی‌آورد و سرانجام تحول بنیادی در جامعه مصر به وجود می‌آورد.^۳

۹. همت بلند

کسی که در پی انجام کاری بر می‌آید، باید با تفکر به آثار و نتایج آن و با آمادگی برای رویارویی با مشکلات و سختی‌های در بین راه، کمر همت ببندد و عزم خود را برای شروع کار و نیکو به پایان رساندن آن جزم نماید. در استعمال قرآنی، واژه همت فقط در مواردی استفاده شده است که کار با سختی و مشکلات همراه بوده و موانعی در تحقق آن در بین باشد. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۴ سوره یوسف می‌فرماید: کلمه (هم) بطوری که می‌گویند جز در مواردی که مقرون به مانع است استعمال نمی‌شود^۴،

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۲؛ سید محمد حسین طباطبایی، طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۹؛ قرائتی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۵۴.

۲. یوسف، ۱۰۰.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

مانند آیه «وَهُمُوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا»^۱؛ و آیه «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا»^۲ انسان به طور طبیعی به سوی اهداف و کارهایی کشیده می‌شود که در نظرش مهم و با ارزش جلوه می‌کند. رابطه‌ی میان جذابیت اهداف و داشتن انگیزه‌ی بالا برای ایجاد تحول از کلام نورانی امیر بیان (ع) فهمیده می‌شود؛ آنجاکه می‌فرماید: «مَنْ كَبُرَتْ هِمَّتُهُ كَثُرَ اهْتِمَامُهُ»^۳؛ هرکسی همتش بزرگ باشد (هدف والا داشته باشد) سعی و تلاشش بیشتر خواهد بود. و نیز آن حضرت می‌فرماید: «الْفِعْلُ الْجَمِيلُ يُنبِئُ عَنْ غُلُوِّ الْهِمَّةِ»؛ فعالیت شایسته از بلندی همت و داشتن هدف والا خبر می‌دهد^۴

۱۰. حقیقت گرایی

حقیقت، خود زمینه ساز و فراهم آورنده‌ی مظاهر گوناگون تحول سازنده و عامل نابودی باطل است. برای مثال به این آیات شریفه دقت کنید: «تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»^۵؛ حق را بر باطل فرو می‌افکنیم، پس آن را در هم می‌شکنند، و بناگاه آن نابود می‌گردد. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۶ خداوند رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی آیین‌ها غالب گرداند. در واقع حقانیت و دلایل فطرت پسند اسلام عامل پیروزی آن بر همه ادیان است. اسلام «دین حق» است و تاریخ و مدارک و اسنادش برای ایجاد تحول عظیم روشن و مبرهن است. و در نتیجه اندیشه آن در همه‌ی حوزه‌ها صائب است. باتوجه به این که اسلام دین خاتم است و پاسخ گوی همه‌ی نیازهای بشری؛ لذا بایستی همراه و هم زمان با شرایط و مقتضیات پیشرفت و به روز بود تا دل‌های پاک و خرده‌های آزاد تسخیر اندیشه‌ی قرآنی گردد.

^۱. توبه/۷۴

^۲. عمران/۱۲۲.

^۳. علی ابوالحسن لیشی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۲۳.

^۴. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۵۳.

^۵. انبیاء/ ۱۸

^۶. فتح/ ۲۸

نتیجه

این تحقیق با هدف تبیین مدیریت تحول و بررسی مؤلفه‌های آن از دریچه‌ی قرآن صورت گرفت. باتوجه به مطالب ذکرشده در این حوزه از منظر اسلام و اهم مطالب از نگاه کلی قرآن نسبت به تحول و مؤلفه‌های سازنده‌ی آن می‌توان یافته‌ها و نتایج حاصل را به صورت ذیل بیان کرد:

۱. در مدیریت تحول جنبه انسانی سازمان‌ها مدنظر قرار می‌گیرد.
۲. در دنیایی پر تلاطم امروز که با دگرگونی‌های متعدد در حوزه‌های مختلف، به ویژه در حوزه‌ی علمی، فرهنگی، و اجتماعی مواجهیم نیازمند درک درست مدیریت تحول و مؤلفه‌های آن از زلال آیات کلام الله هستیم.
۳. بررسی تحول و مؤلفه‌های آن به ویژه برنامه‌های انبیاء و سرگذشت‌های امت‌های پیشین با توجه به شرایط زمان حاضر، از اهمیت نظری فراوان و ضرورت عملی اجتناب ناپذیر برخوردار است و می‌تواند گویای حقانیت اسلام و قرآن باشد.
۴. از منظر قرآن تحول دارای یک فرایند سه مرحله‌ای «تخلیه، تحلیه و تجلیه» است.
۵. پیامبران تا سرحد امکان به دنبال ایجاد تحول و مدیریت آن به منظور اصلاح باورها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی بوده‌اند.
۶. توحید گرایی و طرد طاغوت عامل وزمینه‌ساز تحولات سازنده و بنیادی است.
۷. انسان مؤلفه‌ی فعال پدیده‌ی تحول و مدیریت اوست، اراده‌ی انسان سازنده‌ی تاریخ و زندگی و دگرگونی‌هایی فردی و اجتماعی (اخلاقی، فکری، رفتاری، معرفتی و معیشتی) است.
۸. تنبیهات و ابتلاهای امت‌ها، اهل آبادی‌ها و شهرها به منظور ایجاد تحول در آنها و بازگشت شان به سوی فطرت و حقیقت بوده است.
۹. ایمان و عمل صالح و ضایع نشدن اجر نیکوکاران عامل برانگیزاننده به سوی تحولات سازنده است.

۱۰. سیر در زمین جهت درس گیری و عبرت آموزی و تأمل در اخبار غیبی و تاریخی (اقوام و امت‌های گذشته و پیشگویی اخبار آینده) قرآن تأثیر بسزایی در تحولات فردی و اجتماعی دارد.
۱۱. همت بلند چشم‌اندازهای مطلوب و تحولات بنیادی به دنبال دارد.
۱۲. نگرش مثبت واجتناب از گناه عامل تحول سازنده و گشایشگر موهبت ثابت الهی و برکات پایدار آسمان و زمین است.
۱۳. بشارت به این‌که باطل نابود شدنی و حق پایدار است موجب برانگیختن و تحول سازنده است.
۱۴. و در نهایت حق طلبی و عمل صالح همراه با ایمان، حیات طیبه را به دنبال دارد و می‌تواند تحولات اساسی را در حوزه‌ی فردی و عرصه‌ی اجتماعی به ارمغان آورد.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الاسلامی، چاپ دوم، سال ۱۴۱۰.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ ۱۳۷۸.
 ۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ، چاپ سال ۱۴۲۰.
 ۴. ابوالحسن لیثی، علی، عیون الحکم و المواعظ، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ سال ۱۳۷۷.
 ۵. پیروز، علی آقا، عباس شفیعی و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم، سال ۱۳۸۸.
 ۶. پیروز، علی آقا، جزوه درسی مدیریت تحول سازمانی، ترم دوم ۹۵-۱۳۹۴.
 ۷. جارالله، محمود بن عمر زمخشری، تفسیر الکشاف، مصر، انتشارات مصطفی البابی الحلبی، چاپ سال ۱۳۸۵.
 ۸. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۷.
 ۹. دیالمه، نیکو، تأثیر جهان بینی توحیدی در دانش مدیریت، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول، سال ۱۳۹۳.
 ۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، قم، ذوی القربی، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۴.
 ۱۱. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، چاپ سیزدهم، سال ۱۳۸۸.
 ۱۲. سیوطی، جلا الدین، الدر المنثور، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، سال ۱۳۶۵.

۱۳. شیخ طوسی، تفسیر جوامع الجامع، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، چاپ کتابخانه اسلامی، سال ۱۳۶۳ و قم، بنیاد بعثت، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سال ۱۳۷۲.
۱۶. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ سال ۱۳۷۸.
۱۷. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، سال ۱۳۷۵.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین، سال ۱۴۱۷.
۱۹. علامه عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم، کلیه اصول الدین، چاپ دوم، سال ۱۳۷۴.
۲۰. علامه جعفری، محمد تقی، حرکت و تحول از نگاه قرآن، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۲.
۲۱. عروسی حویزی، عبد العلی، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سال ۱۴۱۵.
۲۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، چاپ سال ۱۳۸۹.
۲۳. عباسی مقدم، مصطفی، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۹۷.
۲۴. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، تاریخ در یافت ۱۳۹۵ / ۶ / ۲۴.

۲۵. قافله باشی، سید مرتضی، سرگذشت‌ها و عبرت‌ها در آئینه وحی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه، چاپ اول، سال ۱۳۸۳.
۲۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سال ۱۳۸۳.
۲۷. معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر، چاپ سال ۱۳۵۰.
۲۸. موسوی، سید محمد، نظام سیاسی، و دولت در اسلام، تهران، پیام نور، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.
۲۹. مانتانان، پاتریک، فرهنگ فراگیر دانش مدیریت، ترجمه سهراب خلیلی، تهران، یادواره کتاب، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۴.
۳۰. مرکز فرهنگ و علوم قرآن، علوم القرآن عند المفسرین، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۷۴.
۳۱. مکارم شرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، سال چاپ ۱۳۷۴.
۳۲. مکارم شیرازی، قصه‌های قرآنی، تدوین سید حسین حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱.
۳۳. نوروزی، محمد تقی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال ۱۳۹۱، شماره ۴.